



## بیانیه جمعیت روحانیون مبارز جمهوری آذربایجان در خصوص واقعه خونین نارداران و سرکوب شیعیان

جمعیت روحانیون مبارز جمهوری آذربایجان با صدور بیانیه ای، واقعه خونین نارداران و سرکوب شیعیان این کشور را ناشی از نگرانی دولت باکو از گسترش فرهنگ عاشورایی در جمهوری آذربایجان دانست.

به گزارش آران نیوز به نقل از پایگاه اینترنتی «نور-آذ»، جمعیت روحانیون مبارز جمهوری آذربایجان تاکید کرد: «حمله وحشیانه نیروهای ویژه پلیس به انسان های بی دفاع در نارداران، واقعه ای را آفرید که در این کشور نظیر نداشته است. مسلم است که عاملان این واقعه خونین، از طراحی این عملیات و تبدیل آن به خبر اول رسانه ها، اهداف مهمی داشته اند. جامعه مسلمانی هم که از این واقعه زیان دیده است، در شرایط کنونی نه گروه تحقیقاتی مستقلی برای بررسی این مساله در اختیار دارد و نه نمایندگان دارد که دفاع از حقوق آنها را به عهده بگیرند.»

جمعیت روحانیون مبارز جمهوری آذربایجان افزوده است: «در دوره پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، جامعه شیعه در این حوزه، هیچ گاه دارای گروه مسلح نبوده است. هم اکنون نیز ادعای مسلح و تروریستی و افراطی بودن جنبش اتحاد مسلمانان را که مقصر این واقعه قلمداد می شود، با قاطعیت رد می کنیم. موج سرکوبی که پس از حمله به نارداران، کل جمهوری آذربایجان را فراگرفته، ثابت می کند که این فاجعه، طرحی تدارک دیده شده علیه دین مبین اسلام می باشد. بلشویک ها نیز برای نابود کردن متفکران و روشنفکران و روحانیون ملت جمهوری آذربایجان، اتهاماتی نظیر پان ترکیست، پان اسلامیست و پان ایرانیست را به آنها وارد می کردند.»

جمعیت روحانیون مبارز جمهوری آذربایجان افزوده است: «بارها گفته ایم و یک بار دیگر تاکید می کنیم که ما گروهک مسلح نیستیم و هیچ گاه اجازه شکل گیری به چنین گروه هایی را در میان خود نمی دهیم. فقط برای آزاد کردن اراضی کشورمان از اشغال ارامنه و تامین امنیت ملتمان مسلح خواهیم شد.»

جمعیت روحانیون مبارز جمهوری آذربایجان افزوده است: «موضوع مهمی که در این ارتباط جالب توجه می باشد، این است که حدود 15 روز قبل از واقعه خونین حمله به نارداران، موج تبلیغات منفی و گسترده ای علیه طلاب تحصیل کرده در شهر مقدس قم جمهوری اسلامی ایران به راه افتاد. عاملان این تبلیغات، تعداد این طلبه ها را بطور نجومی زیاد اعلام و ادعا می کردند که این طلبه ها، در مراکز آموزش دینی تحصیل نمی کنند، بلکه در مراکز آموزش سیاسی و نظامی تعلیم می بینند. در چارچوب این تبلیغات، طلاب جوان به جاسوسی و تروریسم و آلودگی به مواد مخدر متهم می شدند. در جریان این تبلیغات منفی در جمهوری آذربایجان، شهر مقدس قم که از مراکز علمی دینی مشهور دنیا می باشد و عالمان بزرگ دینی را پرورش داده است، به همراه این عالمان دینی، مورد اهانت قرار می گرفت. بویژه، علیه آیت الله نوری همدانی، مرجع تقلید ترک زبان 93 ساله ای که یک ماه پیش، به کشور ما سفر کرد، تبلیغات منفی بی سابقه ای در جریان بود و در این تبلیغات منفی، از رذیلانه ترین و خجالت آورترین شیوه ها استفاده می شد.»

جمعیت روحانیون مبارز جمهوری آذربایجان افزوده است: «در پاسخ به این بهتان ها تاکید می کنیم که شمار طلاب تحصیل کرده در قم، سه تا چهار هزار نفر ادعایی نیست، بلکه شمار آنها قدری بیش از 300 نفر می باشد که فهرست کامل اسامی آنها نیز به کنسولگری جمهوری آذربایجان در تهران و اداره مسلمانان قفقاز و کمیته دولتی امور گروه های دینی تقدیم شده است. این جوانان جمهوری آذربایجان، نه در مراکز سیاسی-نظامی، بلکه در مدارس بین المللی که نمایندگان بیش از 90 کشور نیز در آنجا حضور دارند، تحصیل دینی می کنند. درهای این مدارس به روی تمامی مسلمانانی که از هر گوشه دنیا از جمله جمهوری آذربایجان برای تحصیل به قم می آیند، باز است. تا به امروز، صدها زائر که از جمهوری آذربایجان به قم سفر کرده اند، با روحیه عالی و تاثیرپذیری زیبا از اینجا بازگشته اند. از جمله آنها، پروفیسور رافیق علی اف، هدایت عروج اف و مبارز قربانلی روسای پیشین و کنونی کمیته دولتی امور دینی و نیز الله شکور پاشازاده، رییس اداره مسلمانان قفقاز بوده اند. سفیر و سرکنسول جمهوری آذربایجان در تهران به همراه ده ها تن از اعضای هیات دیپلماتیک بارها به زیارت این اماکن می آیند و با طلاب دیدار و برنامه های مشترک اجرا می کنند که برگزاری مراسم هایی برای فاجعه 20 ژانویه و کشتار خوجالی از آن جمله بوده است. این طلاب، چگونه می توانند تروریست و جاسوس و معتاد به مواد مخدر باشند که مبارز قربانلی، رییس کمیته دولتی امور گروه های دینی و الله شکور پاشازاده، رییس اداره مسلمانان قفقاز و نمایندگان سفارت جمهوری آذربایجان در تهران، در هر زمانی اراده کنند با آنها دیدار می کنند و کمک مالی در اختیار آنها می گذارند و وعده حل مشکلاتشان را می دهند. الله شکور پاشازاده در این مرکز دینی، نماینده ای دارد که همه روزه به این مدارس سرکشی و از طرف شیخ به آنها مستمری پرداخت می کند. آیا اداره مسلمانان قفقاز از تامین مالی این به اصطلاح تروریست ها و جاسوس ها نمی ترسد؟ آیا در قوانین جمهوری آذربایجان تامین مالی گروهک های مسلح جرم تلقی نشده است؟ اگر، اینگونه نیست، پس چرا مبارز قربانلی و الله شکور پاشازاده و نمایندگان دیپلماتیک جمهوری آذربایجان در ایران، با اتهام زدن و بهتان گویی به این طلاب مخالفت نمی کنند و حتی برعکس، خود نیز با سخنانشان، اتهامات وارد شده به طلاب را تایید می کنند؟! پاسخ این سوال روشن است؛ براساس اصل جدایی دین از دولت که بر کشور ما حاکم می باشد، ادارات و سازمان های دینی دولتی، ابزاری در دستان دولت می باشند. این سازمانها همانند یک چاقو هستند که هم برای جراحی و هم برای قتل می توان از آنها استفاده کرد. در صورت ضرورت، از آنها برای سخن گفتن به نفع دین و دینداران استفاده می شود و در شرایطی دیگر به همین دینداران انگ خائن به وطن، افراط گرا و تروریست و جاسوس زده می شود!»

جمعیت روحانیون مبارز جمهوری آذربایجان افزوده است: «آیت الله نوری همدانی به دعوت الله شکور پاشازاده رییس اداره مسلمانان قفقاز و مبارز قربانلی رییس کمیته دولتی امور دینی، میهمان جمهوری آذربایجان شد. این افراد خود در سفر به شهر قم، به دفتر این مرجع تقلید مشهور رفتند و از ایشان خواهش کردند به جمهوری آذربایجان سفر کند. این عالم 93 ساله نیز برغم نامناسب بودن چنین

سفری برای وضعیت جسمانی شان، این دعوت را به منظور دیدار با برادران و خواهران مسلمانی که همزبان وی می باشند، پذیرفتند. انصافاً هم در جمهوری آذربایجان مورد استقبال باشکوهی قرار گرفتند و مناسبات گرمی با خویشان خود در جمهوری آذربایجان برقرار کردند و از این سفر بسیار راضی بازگشتند. اما، متأسفانه، طولی نکشید که برخی سیاسیون به کارهایی مبادرت کردند که میهمان نوازی ملت ما را لکه دار کرد. این سیاسیون با بی حیایی کامل، بارانی از بهتان علیه این انسان الهی جاری کردند و ایشان را رهبر شبکه جاسوسی و سازمان تروریستی قلمداد کردند. سپس، کسانی را که به دیدار ایشان شتافته بودند، مورد اهانت قرار دادند. باز هم این سوال مطرح می شود که اگر این عالم، رهبر شبکه جاسوسی و سازمان تروریستی بود، چرا به حضورش آمدید و ایشان را به کشورمان دعوت کردید؟ اگر این ادعاها بی اساس است، چرا دعوت کنندگان ایشان، سکوت اختیار کرده اند و سخنی نمی گویند؟! میهمان دعوت می کنند و سپس سیلی از بهتان های بی سابقه علیه به راه می اندازند و با این کارهای زشت، نام جمهوری آذربایجان را لکه دار می کنند. جمعیت روحانیون مبارز جمهوری آذربایجان افزوده است: « پس از این وقایع، تنش عجیبی در کل کشور ایجاد شد و تمامی ارگان های دولتی و سازمان های مرتبط و غیرمرتبط آنها، به همراه رسانه های گروهی، هجمه علیه اسلام و بخصوص مذهب تشیع را شروع کردند. گویی می خواستند کینه و نفرتی را که سالها در قلب هایشان متراکم شده بود، تخلیه کنند. در این میان، پارلمانی که نماینده ملت ما نیست، نیز وظیفه محوله را به نحو احسن اجرا کرد. پارلمان درهای نشر معارف اسلامی را که به رویمان بسته بودند، محکم تر کرد و راه های تنفس فراموش شده و باقی مانده را نیز بست. به مصداق آیه شریفه «بُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» آنها می خواهند با دهان خود نور خداوند را خاموش کنند، خداوند نیز برغم ناخوشایند بودن برای کافران، نور خود را تکمیل خواهد کرد.»

جمعیت روحانیون مبارز جمهوری آذربایجان در خصوص قوانین محدود کننده جدیدی که پارلمان جمهوری آذربایجان تصویب کرد، نوشته است: « یکی از ممنوعیت های جدید تصویب شده در پارلمان، ممنوع شدن فعالیت دینی اشخاصی است که در خارج از کشور تحصیل کرده اند. از جمهوری آذربایجان برای تربیت کارشناسان هر بخشی صدها و شاید هزاران نفر برای تحصیل به خارج اعزام می شوند. در این کار، هر بخشی نیاز بیشتری دارد، ضرورت به توجه بیشتری نیز دارد. اگر ملت آذربایجان مسلمان است و دین این ملت، اسلام است، آیا نیازی به تربیت کارشناس در این زمینه ندارد؟ طبیعی است که نیاز در این بخش بسیار است. زیرا، در دوره شوروی حتی یک نفر هم عالم دینی تربیت نشده است و عالمان موجود نیز بطور فیزیکی و معنوی نابود شده اند. بعضاً در زمان ورود و خروجمان به کشور، از ما پرسیده می شود که چرا در داخل کشور تحصیل نمی کنید؟ پاسخ روشن است؛ پیش کدام عالم در جمهوری آذربایجان باید تحصیل دینی کرد؟ اگر مراکز رسمی همچون دانشگاه اسلام باکو را به ما نشان می دهید، باید توجه کرد که در شرایطی که عالی ترین مقام رسمی کشور در حوزه دین، حتی تحصیلات ابتدایی دینی ندارد، از کدام علم و کدام تحصیل دینی (در داخل جمهوری آذربایجان) می توان سخن گفت؟ »

جمعیت روحانیون مبارز جمهوری آذربایجان افزوده است: « بخاطر این قانون ارتجاعی (مصوب پارلمان جمهوری آذربایجان) عالمانی که پانزده تا 20 سال از عمرشان را مصروف تحصیل دینی (در شهر قم) کرده اند، نباید از منزلشان خارج شوند. زیرا، در صورت خروج از منزل، مجبور به پاسخ گفتن به سوالات شرعی و دینی هموطنان خود خواهند بود و در صورت پاسخ گفتن به این سوالات دینی نیز دولت آنها را جریمه یا زندانی خواهد کرد. البته، یک راه دیگر نیز برای روحانیون تحصیل کرده در خارج از کشور باقی می ماند؛ در خانه بمانند و شبانه روز نماز بخوانند و دعا کنند و کسانی را که با وضع چنین قوانینی، در مقابل دین خداوند سد می کشند، نفرین کنند!!»

جمعیت روحانیون مبارز جمهوری آذربایجان در خصوص حمله به مجلس عزاداری در نارداران نیز افزوده است: « در این واقعه، روستای نارداران یک انتخاب ویژه بود. براساس یک طرح حيله گرانه و حساب شده این واقعه خونین را در نارداران آفریدند. بدون هیچ گونه هشدار قبلی، به منزلی که کودکان و زنان و پیران نیز در آنجا جمع بودند، حمله کرده چهارتا پنج نفر را کشته، ده تا 15 نفر را زخمی کردند. جنازه ها و زخمی ها را با خود بردند. به خانواده هایشان در مورد آنها هیچ گونه اطلاعی نمی دهند. از بازگرداندن جنازه ها خودداری کردند، بدن های بی جان این جوانان را به انحاء مختلف مورد اهانت قرار دادند. اجازه دفن آنها را نیز ندادند و خود، به طرز غیرقابل قبولی این شهدا را دفن کردند. اجازه نمی دهند خانواده ها به عیادت مجروح شدگان بروند. گویی که می خواهند شهر شوشا را (از اشغال ارامنه) آزاد کنند، به نارداران زرهپوش های نظامی شان را اعزام کرده، قشون کشی کردند. به سبک تروریست های داعشی، در هر مکانی که به اصطلاح فتح کردند، در وهله نخست، پرچم های سیاه نشانه ماتم و حزن برای امام حسین(ع) را از جای کنده، به زیر پاهایشان انداختند. آیات قرآن و احادیث پیامبر(ص) و ائمه(ع) که زینت بخش دیوارهای این روستا بود و پلاکاردها را شکستند و تخریب کردند. به اقتضای ماهیت خود، از هر خانه دلخواهی به اصطلاح دسته-دسته سلاح کشف و شروع به حبس انسان های بی گناه کردند! با استفاده از تمامی تریبون هایی که در اختیار دارند، جنگ صلیبی علیه این روستای بی دفاع را آغاز کردند. هر کدامشان به اقتضای استعدادشان، لگدی نثار این روستای کهن منطقه آبشرون کردند، بهتان ها و اهانت ها و تهدیدها را روانه ساختند. این روستا را که همانند یک مشت محکم، وحدت داشت، به روزی انداختند که هیچ کس جرأت نکرد از منزلش خارج شود. برق و گاز و آب و تمامی خطوط ارتباطی نارداران را قطع کردند. در این سرمای شدید، تمامی آنچه را که حتی برای ارامنه اشغالگر نیز روا نمی دانند، برسر اهالی گرسنه این روستا آوردند. فقط خداوند می داند که در این سرمای سوزناک ساحل خزر و در این شب های تاریک، کودکان و سالمندان و زنانی که گرسنه ماندند، چه شرایطی را تحمل کردند.»

جمعیت روحانیون مبارز جمهوری آذربایجان افزوده است: « اینکه در روستای نارداران هیچ گروه مسلحی وجود نداشت، مثل روز روشن برای همگان معلوم است. این انسان ها هیچ گاه منبع خطری برای دولت نبوده اند، راهزنی نکرده اند و به هیچ جایی حمله نکرده اند. اما، گام های زیادی برداشته اند که برای این رژیم غیرقانونی، خوشایند نیست و از نظر این رژیم، اشتباه تلقی می شود؛ ناردارانی ها دیندار می باشند و به ممنوعیت های دینی که این رژیم وضع کرده است، اعتنایی نمی کنند. ناردارانی ها، دوست این رژیم، اسرائیل را

دشمن و ایران را که از نظر این رژیم دشمن تلقی می شود، دوست خود می دانند. ناردارانی ها می گویند شما از صدها کیلومتر دورتر آمده و با استخراج و فروش نفت و گازی که زیر پای ما می باشد، صاحب میلیاردها ثروت شده اید و ما نیز به اندازه سر سوزنی از آن ثروت ها بهره ای نداریم. ناردارانی ها از این «گناهان» زیاد داشته اند. اما، یک اشتباه نابخشودنی ناردارانی ها ، حسینی بودن آنهاست. ناردارانی ها هر ساله هزاران نفر را در روستای خود جمع کرده، حسین-حسین گفته، یزید را لعنت کرده اند. آنها، به این نیز اکتفاء نکرده اند و به معاویه ها و یزیدهای زمانه حاضر نیز سنگ پرتاب کرده اند.»

جمعیت روحانیون مبارز جمهوری آذربایجان افزوده است : « در این میان، برخی ها نیز به حاکمان ما گوشزد کرده اند که از محرم و عاشورا بترسید! همین عاشورا بود که در ایران به حکمرانی ما پایان داد! همین مراسم ها نیز پادشاهی شما را بر سرتان خراب خواهد کرد. یا شما این عاشورا را از مملکتتان برچینید، یا عاشورا شما را از این کشور بیرون خواهد کرد. این ساده لوح ها نیز بدون اینکه مکتب امام حسین (ع) را بشناسند، به سرکوب آن پرداخته اند. فقط می توانیم یک نکته را یادآوری کنیم؛ حاکمان این کشور دستان خود را به خون های به ناحق ریخته شده، آلوده کرده اند. آن هم در ناردارانی که دیار امام حسین(ع) می باشد. در کشور ما ، فقط الله شکور پاشزاده می داند که این عمل چه مسئولیت سنگینی دارد. به همین علت، او به حاج طالع ها تروریست می گوید و با احتیاط بسیار درباره ناردارانی ها حرف می زند. او خوب می داند که خداوند برخی گناهان انسانها را می بخشد، اما ناردارانی ها نخواهند بخشید. »